

## استوار باد پیسوند خلق‌های عرب و ایران

مجله "الجبهه" ارگان کمیته فلسطین - بین سخلیج عربی - درباریس اظهاریه سازمان توفان راد شماره ۳ ماهه اول سال ۱۹۷۳ درج کرده است .  
 مجله "سخن باخلی خلق‌های منطقه توفان هاست" که درباریس منتشر میشود در شماره ۳ ژوئیه خود خبری درباریه ایران و صاحبان اخیرشاه نگاشته و آنگاه بدرج اظهاریه سازمان توفان مبادرت جست است .

مجله "العربیه" ارگان جبهه توده ای دموکراتیک آزادی بخش خلق فلسطین در شماره ۲۵ ژوئن تحت عنوان "سازمان مارکسیستی - لتینیتیستی ایرانی ، افسران و سربازان ایرانی را به پیوستن به انقلاب ظفار دعوت میکند . اظهاریه سازمان توفان راد درج کرده و درمقدمه چنین نوشته است :

"ما زیرا به نشر اظهاریه سازمان مارکسیستی - لتینیتیستی توفان درباریه مدخله نظامی ایران در زمان میرد ازیم گسه افسران و سربازان ایرانی را به پیوستن به صفوف ارتش‌های بخش توده ای در ظفار دعوت میکند . از هنگام مدخله نظامی مستقیم شاه ایران در حکومت عمان ، درگیری بین نیروهای ملی عربی و ایرانی از یک سو و استعمار نظامی وی در سخلیج عربی از سوی دیگر وارد مرحله جدیدی گردیده است . این مرحله ایجاب میکند که یگانگی و همبستگی کلیه بخش‌های مختلف نهضت نجات بخش عربی و ایرانی به عالیترین سطح ارتقا یابد . و توده‌های نیست که عمل "سازمان مارکسیستی لتینیتیستی ایران" ( توفان ) تعبیری کثیف در امر اتحاد استوار بین نیروهای ملی و انقلابی عربی و ایرانی بوجود می‌آورد ."

ما از اینکه لزوم "یگانگی و همبستگی کلیه بخش‌های مختلف نهضت نجات بخش عربی و ایرانی" بدین روشنی مورد توجه نماند . پندگان سازمانهای انقلابی عرب قرار گرفته است بسیار مرموز . سازمان ما با این احساس ضمن لزوم روزنامه ای که در ۱ ژوئن ۱۹۷۰ جبهه توده ای دموکراتیک آزادی بخش فلسطین نوشت چنین اظهار داشت: "هدف شما ( طرف صهیونیست و امپریالیسم ) هدف کلیه خلق‌های عرب و کلیه خلق‌های منطقه ۲"

اظهاریه سازمان مارکسیستی - لتینیتیستی توفان درباریه مدخله سخله رژیم ایران در عمان و ظفار و همچنین مقاله ماهنامه "توفان" درباریه عمان و نهضت ظفار که در شماره ۶۹ و ششمین آن منتشر شد انکاسی وسیع یافت . راد و سربازان روز چهارشنبه ۲۵ ژوئیه بخشی از مقاله مذکور را انتشار داد و این امر پشتیبانی گرانبهای از همبستگی مبارزه جوانه خلق‌های عرب و ایران بود .

روزنامه "صوت الثورة" ارگان جبهه توده ای آزادی - بخش عمان و سخلیج عربی "اعلامیه" سازمان توفان راد شماره ۲ ژوئیه خود با مقدمه ای درباریه همبستگی خلق‌های عرب و ایران بچاپ رسانید .

خبرگزاری "طیبعاتی" لیبیراسیون در فرانسه ضمن انتشار متن اظهاریه سازمان توفان از زمان چنین خبر داد: "اینست متن کامل اظهاریه که بین سربازان و درجه‌داران و افسران کشتی برای سرکوب جنگ توده‌های در ظفار و عمان فرستاد می‌بخش شد است ."

روزنامه "عربی" و "الکبیر" چاپ عدن در شماره ۱۴ ژوئن خود در صفحه اول تحت عنوان "سازمان ایرانی به سرپیچی از رژیم شاه دعوت میکند" چنین نوشت: "سازمان ایرانی انقلابی توفان از نیروهای ایرانی موجود در منطقه عمان دعوت میکند که دست از جنگ با انقلابیون سخلیج بردارند و به سرپیچی از فرمان داری و استوار حاکم ایران مبادرت جست به ارتش آزادی بخش توده ای که تحت رهبری جبهه توده ای آزادی بخش عمان و سخلیج است به پیوستند . سازمان توفان در اظهاریه خود که در روزنامه است نیروهای ایرانی رسیده است نقشه‌های امپریالیستی - ایرانی را تحلیل میکند و شرح میدهد که میخواهند از نیروهای ملی ایرانی در جنگ غیرعادلانه بر علیه آزادی و استقلال خلق عمان و سخلیج عربی ، بمنزله گوشت دم توب استفاده کنند تا از صالح امپریالیسم داری و استوار است ارتجاعی ایرانی و عربی در عمان و سخلیج وشبه جزیره عربستان دفاع شود . سازمان توفان در پایان اظهاریه خود بیکار خلق عمان و سخلیج را بر رهبری جبهه توده ای تشبیهت میکند ."

## دام جدید انحصارهای نفتی

قرارداد جدید نفت پس از ماه هازمه سازی در ۲۸ تیر از تصویب مجلس گذشت . قرارداد جدید نفت اصلی قرارداد امروزی تحلیل ماهنامه "توفان" بارها مضمون اصلی قرارداد امروزی را در شرایطی که نهضت ملی و ضد استعماری خلق‌ها و استادی برخی از دولت‌ها عرصه راد مسئله نفت بر امپریالیست هانتنگ گردانیدند محدود رضایتمندانه بودند کاران خویش شناخته و تصدیق کرد است که نفت ایران را تا آخرین قطره در کام انحصارهای بریزد . ایران در زمان های آینده به تنهایی سالی ۵۰۰ میلیون تن نفت به قیمت بازار امپریالیستی با انحصارها تحویل خواهد داد . در اینجا به تکرار مطالب پیشین تمهید ازیم و بندگ نکاتی چند در برامون تبلیغات رژیم انگلیس .

شیوه ارتجاع و ویژه شیوه ارتجاع محدود رضایتمندی است که هر خبانتی را با طبل و کوس خدمت انجام میدهد . بخاطر به اویم شده به قرارداد داری ران بر زمان رضاشاه و انعقاد قرارداد با کسرسیوم ران بر زمان پسرش . در موقع تصویب قرارداد با کسرسیوم و وزیر ارای در مجلس گفت: "تشنگی نفت بهترین وضع ممکن حل شده است" و نفت ایران که در اثر بسته شدن قرارداد حافظان "خطر مرگ" نجات خواهد یافت به "مدت اوقات و حسن تشخیص پرتنگ" آفرین خواهد گفت . اینک که تبلیغات محدود رضاشاهی از آن تاریخ تا کنون قریب بیست سال به پیش رفته است همین گزاره را بقیاسی بر مراتب وسیع تر درباریه قرارداد اخیر تکرار میکند و گاهی چنان سرسخت لای زدن میشود که نهفته های بیست ساله خود را در باره قرارداد با کسرسیوم بریزد و در آن موقع مدعی بودند که قرارداد با کسرسیوم مغانی با قانون ملی شدن صنعت نفت نیست و در ضمن آن جای دارد . اکنون بزبان می آورند که قرارداد با کسرسیوم در واقع اعطاء امتیاز بود و این واقعیت تا کوا وجود داشت که ااره و کنترل عملیات در دست شرکت‌های خارجی و برگر رهبری آنها در لندن بود (نطق نخست وزیر در مجلس) . کرد انند کان رژیم کرد تا برای اینکه خیانت مرز اخذ دست جلوه دهند بگنایه و تصریح بخبانت گذشته اعتراف میکنند: اما امروز نیز با همه ظاهر آزادی ها و سفره عرض کردن ها: کاسه عمان کاسه است و آتش همان آتش . برای خلق ایران تفاوتی ندارد که غارت ثروت با مباشرت مستقیم امپریالیست ها انجام گیرد و با واسطه دلالان و چاکران آنها . مبارزه بر سر جلوگیری از غارت است و نه شیوه های هزار رنگ آن .

امروز نیز تولید نفت ایران اولند و روانشنگن رهبری خواهد شد . امروز نیز شخصین آزوده و مجرب کسرسیوم که پاسد اران آزوده و مجرب منافعی امپریالیست هاستند "شرکت مقاطع کاری" تشکیل میدهند که امروزی هفتاد و هفتاد درصد نفت خود خواهد داشت و آنها را با انبارها انکنت و انکنت و لنند خواهد چرخاند . در جهانی که خلق کبیرچین به بدون هیچگونه سابقه فعالیت در صنعت نفت و بدون کترین دستیاری از خارج ، به اکتشاف و استخراج و تولید نفت مبادرت میجوید ، در جهانی که خلق بلند همت آلبانی صنعت نفت خود را بر چوبی درخشان ااره میکند و توسعه میدهد و نفت صادر میکند رژیم کرد تا مدعی است که شخصان ایرانی پس از شصت سال صنعت نفت در ایران هنوز قادر به ااره این صنعت نیستند و باید فقط صنعت نفت در اویل انحصارهای غارتگر باشند ! بدیهی است که کارشناسان عراقی نه برای ااره صنعت نفت بلکه بمنظور غارت نفت و ااره کار کسرسیوم در ایران معاندند و س . در واقع بوجوب قرارداد جدید ، کسرسیوم وجود "محاضر و ضائب" است ، محاسب است چونکه نام او را حذف کرده اند . و محاضر ترازمیشه است چونکه بجای سالی ۱۲۰ میلیون سالی ۵۰۰ میلیون تن نفت میخورد ! بقیه در صفحه ۲

## بحران ارزی امپریالیسم و اقتصاد ایران

کرفتنار وضع بحران آمیزی است . افزایش قیمت ها در درون کشور نیز موجب میگردد که کالا های صنعتی موسسات تولیدی امپریالیستی پیش از پیش گران شود و قدرت رقابت خود را پیش از دست بدهد . عدم مرضویت این کالا ها که مطبوعات ایران بارها از آن یاد کرده اند ، عامل دیگری در دم توانائی مقابل با کالا های مشابه است . در نتیجه بازار کالا های صنعتی که بسیار تنگ بود اکنون تنگ تر میشود . اکنون پیچی ادها های شاه و مقامات دولتی ایران که می خواستند بازاریک تولیدار نفی برای مصنوعات امپریالیست ها در ایران فراهم آورند بخوبی روشن است . بیهوده نیست که اطلاعات سرفاله خود را به "اقتصاد ایران و بحران جهانی مواد اولیه" اختصاص میدهد . بیهوده نیست که تهران اگر نه صحت از "گرس هو او سردی صادرات" صحبت میکند و مینویسد : "در بازار حال صادرات و فعالیت زیادی بقیه در صفحه ۲"

بحران ارزی دنیای سرمایه داری برای کشوری مانند ایران که بخش عظیمی از اقتصادش در گرو هو و هوس سرمایه داری و دلالان امپریالیست و تحولات اقتصادی دنیای سرمایه داری است و زبان های فراوانی در بر دارد . سرچشمه حیات اقتصادی کشوری با اوضاع و احوال کنونی در ارض های است که از فروش نفت و صادرات مواد دیگر پیروزه مواد اولیه کشاورزی و معدنی بدست میآید . همین ارضها است که سه واردات کشور را از کالا های مصرفی گرفته تا کالا های واسطه غیر آن تامین میکند ، همین ارضها است که سرمایه گذاران خارجی برای ورود کالا های واسطه و بنا بر این برای بنگار اقتاد چرخهای موسسات تولیدی و از جنگ مردم ایران بیرون میکنند . چنانچه از نفت ارایس ارزش ارضها کاسته شود ورود کالا های واسطه به ایران با دشواری بسیار روبرو میگردد که بنوع خود بر کار موسسات تولیدی تاثیر میگذارد .

واکنش ما با چنین وضعی روبرو هستیم زیرا از یکسو بحران ارزی امپریالیسم از ارزش ارضها کاسته است و از سوی دیگر مبالغ هنگفتی از یک به ۵/۱ تا ۵ میلیارد دلار بالغ میگردد ، به مصرف خرید تسلیحات میرسد . بر اثر بحران پولی دنیای سرمایه داری ، ارضهای حاصل از نفت و صادرات دیگر در قسمت اعظم به دلار تادیه میشوند بقیه از زیادی ارزش خود را از دست داده اند و زمین حاصل پاره ای از ارضها مانند مارک آلمان و ین یعنی پول کشورهای که بخش بزرگی از واردات از آنها تامین میگردد بر ارزششاسان افزوده شده است . پائین آمدن ارزش دلار و افزایش ارزشهای مانند مارک وین همراه با بالا رفتن سریع رتایل ملاحظه قیمت ها در کشورهای سرمایه داری این نتیجه را به بار میآورد که اکنون برای خرید کالا های وارداتی و از آنجمله کالا های واسطه باید از بیشتری پرداخت .

صادرات ایران نیز بر اثر بازی با قیمت ها در صحنه بین المللی ، بر اثر ضعف قدرت رقابت با کالا های مشابه ر بازار های جهان ، علی رقم تبلیغات پرسرو صدای دستگاه دولتی ، علی رقم دزدکیها ، اختراعات و اذکرات مقامات دولتی ایران

## پیروز باد خلق دلمیر کامبوج

نزدون سیهانوک ، رئیس دولت متحد ملی کامبوج ، پسرلز بازگشت از سفر موفقیت آمیز به ۱۱ کشور آفریقائی و اروپائی بمنظور ختم جنگ در کامبوج سه شرط پیشنهاد کرده است :  
 اول - خاتمه دادن کامل وضعی که مدخلات نظامی ( هراتی و غیره ) امریکا و دست نشاندهگان وی از جانب بانسکول و سایرگون و سایر کشورهای خصم کامبوج .  
 دوم - برانکندن کامل "جهت گیری خصم" که خائن و غیرس قانونی ، ضد ملی و ضد خلقی ، فاشیستی و از ریشه فاسد است .  
 سوم - تخلیه کامل ، بدین تدری و شرط و قطع کلیه کارمندان نظامی امریکا و هواد ارانش و کلیه کارمندان غیر کامبوج که در خدمت امپریالیسم استعمار آفرین امریکا هستند از کامبوج .  
 خلق ایران مانند کلیه خلق‌های جهان پشتیبان پرشور این خواست های عادلانه خلق کامبوج است . پیروزی نهائی باخلسی دلمیر کامبوج خواهد بود که با فداکاری و جان بازی پرافرین خود ضربات کاری بر جنازه کاران امریکائی و چاکران بری آنها وارد آورد .

گراهی باد یاد تیر باران شدگان و همه شهیدان !

### رژیم شاه همدست اسرائیل

روزنامه نیکارو ۲۱ ژوئن ۱۹۷۳ چاپ فرانسه مقاله‌ای جالب درباره همکاری رژیم ایران با اسرائیل نگاشته که اینک خلاصه‌ای از آن را بنظر خوانندگان گرامی می‌رسانیم :

دولت ایران چه در جلسات سازمان ملل متحد و چه به مناسبت های دیگر از هیچ فرصتی برای محکوم نمودن سیاست تجاوزکارانه اسرائیل در مورد اشغال سرزمین های عربی خود داری نمیگذرد اما این فقط ظاهر قضیه است و در واقع بین دو کشور در تمام این زمینه ها دوستی محکمی برقرار است .

در این مورد لطیفه‌ای نقل میکنند : چند ماه قبل سفیرای عرب و تهران بخاطر تسهیلاتی که جهت فرود هواپیماهای ال آل در فرودگاه مهرآباد با اسرائیلی ها داده شده بود بدو ایران اعتراض میکنند ، یک مقام بالای ایرانی در جواب آنها می گوید : شما اشتباه میکنید ، تاکنون حتی یک هواپیمای اسرائیلی نیز در تهران بر زمین ننشسته .

چند روز بعد هنگامی که مقام مذکور جهت شایعت یک سفیر عرب بمفرد گاه رفته بود یک بوئینگ عظیم الجثه ال آل پیش روی آنها بر زمین می نشیند . سفیر عرب که بشدت جا خورده بود میگوید : نگاه کنید .

مقام ایرانی میگوید : جدی میگوئید ؟ من که چیزی نمی بینم . . . شاید اشتباه میکنید .

این روزنامه اضافه میکند : تونستهای که در بنسدر اشکون بسر میبرند تقریباً هر روز میتوانند دیاسه نفت کش را مشاهده کنند که مشغول لگیدن طلاهای سیاهی هستند که وسیله لوله از ایسات به اشکون میرسد و سرچشمه اش در ایران است .

بزودی ظرفیت این لوله‌ها به ۳ میلیون تن در سال خواهد رسید .

مختصین اسرائیلی در پروژه های گوناگونی ایران شرکت دارند و سرمایه‌های اسرائیلی در بخش های مختلف بکار افتاده علاوه همکارهای دیگری نیز وجود دارد . دستگاه های امنیتی دو کشور همکاری بسیار نزدیکی باید یکدیگر دارند و بسیاری از کارهای " ساوان " در تل آویو تعلیم دیده نامند .

عده زیادی از اطفال شاه در اروپا بسر میبرند برخی از آنها در اردوگاههای پناهندگان فلسطین در لبنان تعلیم میبینند . ما نیز اسرائیلی که در امر تفوت شبکه ها استاد شده فاند اطلاعاتی را که برای دولت ایران در مورد شبکه ها جالب باشد در اختیار می دهد .

گذراند . علیرغم تمام تندی های رسمی عده های افسران ایرانی در اسرائیل تعلیم می بینند بخصوص چترآزان و خلبانان و این عسکری ها خوش مردم را برآوردن گشته . . . در سال جدید اسرائیل در انجمنیان یک انبار بزرگ مرکبات اسرائیلی را در جنوب تهرسان قرار کردند . . . روسای مذکور پیش از این در مساجد از این روابط انتقاد میکنند و همه آنها ممکن است روزی بسیار رنجی شوند .

### استواران . . . بقیه از صفحه ۱

خاورمیستانه و نزدیک و گویه خلق های جهان است . خلق ایسراون که در شرایط دشوار بر علیه امپریالیسم امریکا و جاکراش و در برابر آن ها حامد رضاشاه و در مبارزه است با تمام قوا از آرمان خلقی فلسطین پشتیبانی میکند .

همچنین سازمان مادر نامه ای که در ۱۷ آوریل ۱۹۷۳

بنامسبت ارسال در اوربرای مبارزان در لیرظفار به "جبهه" توده ای رهائی بخش عمان و خلیج " نوشت چنین تصریح کرد : " امروز که دولت زبرخید ایران در برابر آن محمد رضاشاه و مزدوران خویش رایه کنگ ارتجاع عمان و نیروهای مسلح امپریالیسم انگلستان بمنظور حمله برنواحی آزاد شده و خلفا فرستاده است خلق های ما ، خلق های عرب و ایران ، در چنان وحدت مبارزه جوانانه ای قرار میگیرند که هیچگاه سابقه نداشته است " اظهار می کند :

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان بنامسبت مد اخلاقیات نظا می مذکور نیز بمنظور نمایانند و تحکیم این وحدت صورت گرفت سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان پیوسته در جستجوی راهپایانی بوده که به همبستگی فعال خلق های عرب و ایران و مبارزه بر علیه صهیونیسم و امپریالیسم و مرتجعان زبرخید محلی و به کمک متقابل و همه جانی آنها یکدیگر را متعلق حقیقی بخشنند و امروز با کوشش بیش از همیشه این راه هارا دنبال میکند .

استواران پیوند برادر ی خلق های عرب و ایران در مبارزه برضد امپریالیسم ، صهیونیسم و گویه " مرتجعان !

### دام انحصارهای . . . بقیه از صفحه ۱

هنگام طرح قرارداد با کسرسیوم نماینده ای در مجلس ایران که توانسته بود از مواد پیچیده و درهم و سرگیجه آور قرارداد در مورد میامور بدروستی گفت : این قرارداد در راجعال است ابهام و تفسیر هیچ حد و سامانی ندارد . همین معنی میباشد . باره " قرارداد در چندین مورد نیز صادق است جز اینکه " اجمال " جای خود را به " تفصیل " داده است . قرارداد در ۳ ماده ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ تنظیم شده و سه ضمیمه دارد که بقول اطلاعات " مطالبات و مسائل بطورچه در آن بیش از خود قرارداد آمده است .

این یکی از شیوه های " دیرینه " شرکت ها و انحصارهای امپریالیستی است که در فترت و استناد خود را بطوری تنظیم میکنند که افراد ساده نتوانند تقلب ها ، شیادی ها و کلاهبرداری هارا از آنها بیرون بکشند . قرارداد در چندین مورد نمونه های این استناد است ، و همین امر به دلان ایرانی ، از شاه گرفته تا نخست وزیر و همه بزرگواران ، امکان داده است که هر چه بخواهد تبلیغات فریبنده " خود لازم میدانند به قرارداد اجدید نسبت دهند .

مثلا اطلاعات اعتبار کارکنان " می نویسد : " یکی از مهمترین ماده های قرارداد ماده ۴ است که میگوید : " در ازاتی ها و وسائل مورد استفاده " در عملیات موضوع این قرارداد و همچنین

تخلفات و روکریور " گازونفت " در مالکیت انحصاری شرکت ملی نفت ایران است " نخست وزیر نیز همین مطلب را با چنان بیاد می دروغ بیاید کرده که توگویی شق الزمیری روی داده است . ولی همه میدانند که همین رژیم کودتای موقوفه قرارداد با کسرسیوم ( به موجب شرحی که در رساله " توران " ۷۰ نوشته )

میلیون ها و میلیون ها لیره بابت ننگ " ازاتی ها و وسائل مورد استفاده " در عملیات " برداشت کرد و در ماده ۵ " قرارداد با کسرسیوم تصریح شده که هر تاسیسات ثابت جدید نیز کلا زاید به حساب شرکت ملی نفت ایران خریداری خواهد شد ، و به همین ترتیب عمل شده است و کسرسیوم صد و پنجاه سرمایه نگذاشته است تا اینکه قرارداد اجدید " مالکیت انحصاری شرکت ملی نفت ایران " را بازنگرداند .

این نمونه ای از تبلیغات رژیم است که برای پویشاندن غارتگری امپریالیسم از هیچ دریغ و رسوایی روگردان نیست . حکومت کودتای " است که " این قرارداد به هیچ وجه قابل مقایسه با سایر قرارداد ها نبوده و وجه تشابهی با هیچیک از آنها ندارد ، " مدعی است که ایران مالک صنایع نفت خود گردیده و به اندازه استخراج و تولید نفت در دست خود است .

تابع قیمت های معمولی انحصارها نیست و ضمیمه " ولی در عین حال نتیجه " لاف زنی خود را با اینجا بیسازنده " که در مسند ایران از هیچیک از کشورهای خلیج فارس کمتر نخواهد بود " یعنی از کدام کشورها ؟ آنهاست که صدمه مالک صنایع نفت خود نیستند و باین واقعیت معتقدند و تازگی در صدد مشارکت با امپریالیست ها برآمده اند ، " انداز " استخراج و تولید نفتشان در دست شرکت های امپریالیستی است ، ادعای تعیین قیمت نفت را در مبارزاتین الطلی ندارند . ایران اقتدار میکند که در آمد او از راه چندین کورهائی کمتر نخواهد بود !

این تناقض از آنجاست که بین تبلیغات رژیم ایران و واقعیت فاصله بسیار است ، و واقعیت فریب دهنده که محمد رضاشاه و شیخ ابوظبی ، هر دو در آستانه امپریالیسم در یک صف نشستند ، صحبت بر سر سازماندن های بازاری نیست صحبت بر سر استقلال و حاکمیت ملی ماست . تا پای امپریالیسم از ایران بریده نشود

خلق ایران از پای نخواهد نشست . خلق ایران در راه ملی گردن نام و تمام صنعت نفت مبارزه میکند و این آرمان خود را سرانجام با سرنگونی رژیم کودتای حقیقی خواهد رساند .

### بحران انرژی . . . بقیه از صفحه ۱

دیده نشیود " زیرا " تبدیل یک کشور بیت پایگاه صادراتی موضوع ساده و آسان نیست . تسخیر بازار فقط از عهده کالا های مرغوب و اوزان گشته است و برای این منظور باید بازرگانی کارتریوری انسانی کشور ما بیا به مردم کشورهای اروپائی و امریکائی برسد ، و الا هیچ عامل دیگری نمی تواند مصرف کنندگان یک کشور را ناگزیر به مصرف کالا های گران و نامرغوب کند . بنابراین مهندس ، کارمند و کارگر ایرانی در آینده در برابر سلیق مختلف و مشکل پسند و در مقابل رفیقای سرسختی قرار میگیرند که زیر آرمائی با ایشان کار بسیار دشواری است و روز بروز دشوارتر خواهد شد " .

این مطلب بوفور گفته شده است که برای رقابت در بازار

### انحطاط در کشورهای روینویستی

" روینویستی ها در شهری و سایر کشورهای جهان لحظه نیل بقدرت ، بمنظور اینکه توده های زحمتکش را از آرمان های بزرگ انقلابی و سوسیالیسم دور کنند و راه را برای خیانت خویش هموار گردانند ، کوشیدند تا موازین اخلاقی و بیرونی برجای موازین اخلاقی بیرونی بنشینند . آنها با شاهانه انفراد گرایی خود در

بیرونی و شیوه " زندگی منحط بیرونی در توده های زحمتکش و بیرون جوانان دست زدند ، سودجویی و راحت طلبی فردی ، تحمل و پیش و شست و بشیر را ترویج کردند . . . در روی پرده های سینما و تلویزیون و در تقسه های کتابخانه ها به فیلم ها و کتابهای برمیخوریم که مروج زشت ترین فاسد اند ، از قبیل آدم کشی ، شهوت پرستی ، فاحشگی و اوپانی ، جاه طلبی ، اعتقاد بر سر نوشت و غیره . امروزه در کشورهای روینویستی بجای فیلم هایی که مربوط به همین پرستی و انقلاب بود فیلم هایی مانند " شب خونخواران " " من میدانم که تو آدم کشی " " براتر خون " ، " زندگی حیرانگانه " یک زن " و غیره نشان داده میشود .

ادبیات کشورهای روینویستی غرق در جریان انحطاط . طی است که در مرکز آنها فرمان منفی و شیوه " زندگی بیرونی و طاری از مفهوم حقیقی قرار دارد . . .

دارد و سته های روینویستی برای آنکه از هان مردم را بگردانند و انرژی آنها را در راه زندگی بیخ و خالی از آرمان بپسندند بطور مستقیم یا غیر مستقیم به ترویج مواد مخدره و الکلیم میپردازند . در لهستان از هر ۱۰ جوان ۳ نفر یکی از مواد مخدر معتادند . در اتحاد شوروی ۸۵ درصد آدم کشی ها و بیشتر از ۶۰ درصد زخم زدن ها و ۹۰ درصد از افعال اوپاشانه بر سیک کسان صورت میگیرد که اعتیادات شدید الکی دارند . لهستان و مجارستان از حیث مصرف سرانه الکل در میان کشورهای جهان در صوف نخستین قرار گرفته اند . . .

در کشورهای روینویستی ، میخانه ها و شرکته های شبانه مانند غلف در ویولواها و کورنوش و کاشیابان ها سر میز و در آنجا بازاریسها خود فروشی دختران رواج یافته و رصقه ها

کالا باید مرغوب و مرغوب تر از دیگر کالا های مشابه و هزینه تولید آن کم باشد و هیچیک از این عوامل در اقتصاد کونی ایران باقی نمانده است که تا روزی آن وابسته به امپریالیسم است دست یافتنی نیست و هیچیک از عوامل مساعد سرمایه گذاری در ایران معاند " تجارت و امنیت " تسهیلات دولتی ، دستمزدها ، فغان اعتصاب کارگری " و . . . کالا های موسسات امپریالیستی را در ایران قابل رقابت با محصولات مشابه نمیکند . امپریالیست ها با سرمایه گذاری در ایران و فروش انحصاری محصولات خود به بهانه " حمایت از صنایع داخلی " کالا های نامرغوبی را به قیمت های گران تحویل میدهند و در ایران نیز که منافعیشان اندکی در خطر افتد " پای خود را گران میکنند " .

رژیم شاه که تکیه کار خود را بر سرمایه های امپریالیستی گذاشته ، تاکنون کفران سپاه سرمایه گذاری کوناگونی از سرمایه داران امریکائی ، انگلیسی ، ژاپنی در تهران ترتیب داده و سرمایه داران بسیاری را به ایران دعوت کرده است . نخست وزیر ، وزیر اقتصاد و وزیری دیگر مانند پاد و های تجاری کشور های امپریالیستی را زیر آرمیدگ کردند . با مقامات دولتی و سرمایه داران خصوصی این کشورها ، بازرگانی می نشینند و با یکدیگر عوامل مساعد تولید در ایران ، آنها را به سرمایه گذاری در ایران فرامیخوانند . اما از این همه فعالیت و زندگی و در بیرون و آبروی بی نتیجه ای را که شاه انتظار دارد حاصل نمی آید . اگر صحیح است که صادرات محصولات این موسسات قابل رقابت با محصولات مشابه در بازار های حقیقی " این سمت جهان " نیست ، اگر صحیح است که سرمایه داران در درجه اول به منافع خود می اندیشند دیگر چه جایی برای برآورده شدن انتظارات شاه و طبقه حاکم ایران باقی میماند . بقول تهران اکونومیست " . . . صاحبان صنایع غرب که با دانش و وسایل سرگوار دارند هر چند که امروز حاضر به سرمایه گذاری در کشورهای ما نشوند لکن به محض اینکه یکشاهی اضافی شان بخطر افتد ، پاره کار خواهند گشت " .

اینهمه بند هائی که حیات کشور ما را به امپریالیسم می بندد و موجب میگردند که بحران امپریالیسم در هر زمینه ای که بروز کند و از آن جمله بحران انرژی کونی ، کشور ما را به بحرانی غیرتسبب دامنه دارتر گرفتار خواهد کرد .

### احساسات دروغین

#### یک چاکر امپریالیسم

۱۲ خرداد امسال سرهنگ هاوکینز مستشار نظامی آمریکا توسط جوانان میهن پرست بقتل رسید . روزنامه اطلاعات این جریان را با آب و تاب نوشته و در حالیکه سعی در نوکر صفتی خود فروختگی دائمی خود مینماید میخواهد حد اکثر استفاد از احساسات مردم را بر علیه میهن پرستان نموده آنان را مانند دیسگر مطبوعات مزدور " قاتل و خرابکار " نشان بدهد .

اطلاعات روز ۳ خرداد جزئیات را چنین شاعرانه شرح میدهد : " در اولین ساعات پاندم در پیروصدای شلیک ۳ گلوله سکوت صیحه گاهی کوچک سریع در منطقه نیاس آباد در ارتش مستقر و متعاقب آن اهالی محل سراسیمه بطوجه ریخته و با جمده خون آلود مردی که لباس نظامی مستشاری امریکارا بدن داشت روی اسفالت کچوه درخون میغلطید رو برور شد ... بعد چند خط پائین تر چنین مینویسد : " جنازه کنگل فقید ( البته توجه نمیکند آنچه گفته ام استفاده میشود کنگل فقید ) اینک در سرد خاند نگاهداری میشود و احتمالا ظرف امروز تصمیم نهائی برای انتقال آن به ایالات متحده اتخاذ خواهد شد . قتل هاوکینز در محافل تهران و محافل امریکائی مقیم تهران با تافس فراوان تلقین شد . ریحارد هلمز سفیر ایالات متحده در ایران ( رئیس سابق سیا ) در شب در گفتگوش با خبرنگاران مطبوعات داخلی از آن بعنوان یک " جنایت بی معنی " یاد کرد .

خواننده ملاحظه میکند که مسعودی این نوکر امپریالیسم و خائن خلق میهن را مرکز یک سرهنگ اربابین را چگونه تلمذ داد میکند و با کفه فقیه یاد آوری مینماید ، از نظامیان امریکائی که دستهایشان تا آرنج بخون مردم امریکائی لاین ، آسیا و افریقا آلوده است ، از نظامیان ایکه اهالی دهکده می لای و بیستفام را از خرد و بزرگ بخون کشیدند بعنوان فقیه و شهید یاد مینماید سپس اطلاعات از انتقال جنازه به ایالات متحده و امریکاصحبت کرده و میخواهد از احساسات انسانی مردم ایران سو استفاده کرده اما کجاست قلم مسعودی و ده ها مسعودی دیگر کویقو مبارزان خلق مارادونخیمان شاه و امپریالیسم در زندانها میکنند حتی به عزیزان آنان جنازه را تحویل نمیدهند و صد ها خانوا ده هنوز انتظار عزیزان خود را میکنند .

اطلاعات اظهارات سفیر امریکارا ایران ، این رئیس جنایتکارترین سازمان جاسوسی دنیا را چنین مینویسد : " قتل سرهنگ هاوکینز یک جنایت بی معنی است " . آری در فرهنگ مسعودی هاو اربابش هلمز قهر سلحسانه در مقابل ظلم ویدادگری امپریالیسم جنایت و جنایت بی معنی گفته میشود . جنایت معنی دار آنست که سالها مال بوری مردم از زمین و عرق دریا برب ناپالم و شیمیائی ریخت و حتی به بیچارستان و کودکانم نگرده ملین مردم را کشت و ریخت و بیخانمان کرد . اینها جنایات معنی دار هلمز است .

مسعودی احساسات پات مردم را راحت نیگه ارد . او میدانند در کشور ما مردم در اثر شرایط زندگی اقتصادی و فرهنگی و مذهبی علاقه و همبستگی بیشتری به خانواده و علائق خانوادگی دارند لذا دست روی این نگه داشته و در چند نظر پائین تر چنین مینویسد : " یکی از دوستان سرهنگ امروز در گفتگوش با اطلاعات گفت که عمده همکاران کنگل فقید از ماجرائی که بر او وارد آمده سخت متاسفاند . او گفت همسر کنگل هاوکینز در چنان حالت اندوه و تاسفی قرار ارد که قادر به ابراز هیچگونه مطلبی برای مطبوعات نیست . فرزند کوچکش که نیز هر روز مدتی از وقت خود را باید در سر میگذراند با آنکه از جاد که اطلاع ندارد و به خانسه دوستان امریکائی فرستاده شد برای پدرش بفراری میکند .

واقعا وجدان انسانی و مطبوعاتی آقای مسعودی گل کرده است ! از اینکه فرزند بی پدری خود قلم فرسائی میکند و میخواهد با این عمل قتل مستشار نظامی امریکائی را جنایت بزرگ و غیر انسانی قلمد کند . اما کجاست آن وجدان انسانی و مطبوعاتی مسعودی و قتیکه چشم خود هزاران هزار شهروستانی بیکاری راهی ببند که خانو زندگی را در شهرستانها رها کرده و بدنبال پیدا کردن کار به تهران و یا شهرهای بزرگ دیگر روی میآورند و ماهها وحشی سالها در تهران سرگردان میگردند و با دست خالی روی برگشت به پیش زن و فرزند ندارند . آیا این خانواد هاعلاق پدر و فرزندند ؟ آن فرزند ها در نظر پدر خیلی ارزشمبارا با کابوس

### اعلامیه « جبهه توده ای آزادی بخش عمان و خلیج عربی »

#### بمناسبت یاد کردن ۹ ژوئن ۱۹۶۵

" جبهه توده ای آزادی بخش عمان و خلیج عربی " بنامند ۹ ژوئن ۱۹۶۵ که روز شروع انقلاب مسلح است اعلامیه ای داده که اینک خلاصه ای از آن را از نظر خوانندگان گرامی میگردانیم :

اعلامیه در خطاب به توده های خلق در منطقه عمان و خلیج میگوید : " هشت سال از ظهور انقلاب پرافتخار و روشن میگذرد . هشت سال گذشته و تفنگ های ما همچنان بر سر دست است تا اعلام دارد که خلق ما یک لانه مهم است . راه انقلاب مسلحانه را تحت رهبری جبهه توده ای آزادی بخش عمان و خلیج عربی ، تا پایان پیروزی ادامه دهد . در طی سال هشتم ، خلق ما بار دیگر ادعاهای انگلستان و دست نشاند " وی قاپوس برآه از " شعور محدود قبیله ای " و از " نزدیکی پایان انقلاب " و از گامیابی بیهای افسران بریتانیائی در برانداختن انقلاب ... وضیه سخن

و حشمتناک گرسنگی بسرمی آورند و مسعودیها شورت هایشان را در بانک های داخلی و خارجی جابجایی میکنند و اینها را نمی بینند ؟ کجاست وجدان مسعودی و مسعودیهای دیگر و قتیکه دستمسته دست مردمان بیکار برای پیدا کردن کاری در آنسوی خلیج - فارس خود را بطوفان حوادث میسپارند و بصورت قانونی یا غیر قانونی به شیخ نشینها میروند . اما انکارا در دیگر حوادث و توفان خلیج و امیر اصابت گلوله های واند ارمیائی شاه و یا شیخ نشین ها فراموش کردند و هرگز جنازه آنها تحویل خانواد موافزین آن آنان نیکردند ، و کجاست وجدان مسعودی که مامورین سازبا امنیت شبانه پدران ، برادران و حتی خواهران را از آسموش زن و بچه و پدر و مادر با تهدید اسلحه میروانند و حتی بسند از کشتن جنازه آنها را به عزیزانشان تحویل نمیدهند ؟

اطلاعات باز هم با خط درشت علاقه شدیدی ماری در تان خواهر سرهنگ را مینویسد . من در این باره چیزی نمیگویم و قضایات را بخوانند و میدهم که این همه زندانیان و این همه قربانیان رژیم جنیتی شاه و اعداهای شبعبیدی را با خاطر بیورد و دلواپسی خانواد آنان را مجسم کند و آنگاه ببیند که مسعودی از اینطرف دنیا احساساتش برای خواهر جناب سرهنگ گل کرده است !

بالاخره راجع به خدمات سرهنگ هاوکینز مینویسد : " سفیر امریکارا یعنی این رئیس سابق سیا ) از خدمات هاوکینز ستایش کرد و یاد آورشده که سرهنگ مذکور در دوران خدمت ده ماهه خود در تهران و همچنین در دست های قبلی که به عهده داشته همواره از افسران فعال و شایسته بوده است .

این شایستگی و فعالیتها که سفیر امریکارا رئیس سابق سیا و نوکر آن سنا تور مسعودی یاد میکنند حقانیت قتل این سرهنگ را تأیید میکند . یک سرهنگ امپریالیسم خونخوار و امپریالیسم سیا که خون مردم میهن ما را با خاطر منافع یک مشت سرمایه دار امریکائی میگرد و دستمسته فرزند ان دلاور خلق ما را اعدام میکند در حین انجام وظیفه به امپریالیسم و خیانت به مملکت و ملت ما بقتل رسیده است و این در تاریخ مبارزات خلق های استعمار زده ه حق مسلم و قانونی آنهاست که اشغالگر جانی خونخوار را به جزای اعمالش رسانند ، تازه این شروع قهر سلحسانه است و اینجاست که مسعودی ها عواقب کار خود را میداند . آیا مسعودی با خاطر خانواد ه هاوکینز ناراحت است ؟ آیا زنجیری بی پدری فرزند سرهنگ روح و قلب حساس و شیشه ای مسعودی را می آزارد اگر نه - هرگز چنین نیست . او دوران آبادگی خلق ما را در انجا و مبارزه مسلحانه می بیند . او حس میکند که دیرباز مبارزه قهر آمیز تحت رهبری طبقه کارگران بصورت مبارزه توده ای وسیع و همه گیر درخواهد آمد . در اثر ترس از این روزهاست که مسعودی دست به هر نیرنگ و فریب وسوسه استفاده از احساسات مردم میزند ، غافل از آنکه :

دیری است درها به هرز حیرت بسته است . در کوجه های باور مردم بیعداری اعتماد به دشمن را بر دارمست تجربه مطلوب کرده است . در کوجه های باور مردم ، خون های تازه شهدا خورشید های روشن برهسانند .

میکنند در هم ریخته است ... یاد کرد روزی در حالی برپا میشود که خلق ما پیروزی های بی درین در عرصه های گوناگون بدست آورده است . در طی سال گذشته ، نیروهای ارتش آزادی بخش ما و نیروهای پلیس توده ای توانستند حملات دلیرانه ای در بکریه پایگاه های ارتش انگلستان و ارتش مزدور عمان در ضلاله ، میطاب ، صرقت ، کد - بیت در غرب ، و در پیرو در شرق و مرکز مبادرت جویند ...

سپس اعلامیه میگوید : " توده های خلق در مناطق آزاد شده به پشتیبانی بیدار از انقلاب برخاسته و باید آری و دلیری و نظیری از خود نشان داده گنید ، بهاران ها و آتش سوزی ها و کشتارهای را که از طرف نیروهای هوائی انگلستان صورت میگردد و قضاوت آمیزترین شیوه هائی را که خاندان مزدور امپوسید ( قاپوس ) در گرفته گذاشتن مردم بیکار میروند شجاعانه تحمل میکنند ... در حین حال توده هائشان میدهند که در امور گروگوشی اور ضاع مناطق آزاد شده در بکریه ، زینبه ها و در در شوارترین شرایط یافتاری دارند ... تا مسیس مجلس های توده ای که به موجب قرار گزیده ریخت و بیجود آمدند اهری برای امتلا مبارزات بود و نشانه ای از شرکت توده های وسیع در انقلاب بشمار میآید ...

سپس اعلامیه میگوید : " در سراسر منطقه عمان و خلیج - عربی ، سایر توده های خلق مبارزات اقتصادی و سیاسی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ، ضد مستبدان محلی و ضد شرکت ها و انحصاری دست زد هاند و هیئت های حاکمه در برابر این جنبش های ملی و موکراتیک راه دیگری نمی یابند جز اینکه صد هاتسن از هموطنان کارگرمار با خاطر اجرای سیاست امپریالیست های امریکائی و انگلیسی و شرکت های انحصاری و سایر استثمارگران بسند زندان بپیچند .

در اعلامیه میگویند " موافقت نامه نوامبر ۱۹۶۲ بین جبهه توده ای رهائی بخش عمان و خلیج عربی از یک سو و حزب کارگری در عمان از سوی دیگر ، گام مهمی بود که در راه وحدت و بخشیدن به بخش های مختلف نهضت ملی و موکراتیک در سراسر منطقه برداشته شد .

اعلامیه مذکور میگوید که انقلاب عمان و خلیج عربی در سال گذشته بیش از پیش مورد پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی قرار گرفت و در راه آنها از جمهوری توده های چین نام میبرد . سپس میگوید : " قاپوس مزدور و سایر دست نشاندگان ، در برابر کامیابی ها و پیروزی هائی که خلق ما تحت رهبری جبهه توده ای - رهائی بخش عمان و خلیج عربی تحصیل کرده است چاره ای بجز آن ندارند که روزی روزی بیشتر به سیاست وابستگی و سرکوب خلق روی آورند و این اربابان قدیم انگلیسی و اربابان جدید امریکائی و مزدوران محلی آنها در ایران و عربستان سعودی پناه ببرند ...

باز اعلامیه میگوید که قاپوس و سایر دست نشاندگان هر روز عد بهیشتی از نیروهای ایران را برای یامال کردن زمین و خلق عمان دعوت میکنند و " روزی روزی بیشتر حس میشود که یک پیمان منطقه ای در خلیج فارس که ایران و عربستان سعودی در راه آن باشند و کاملاً مطیع امریکاشند ، به منظور برقراری امنیت و تکمیلی از صلا لبح امپریالیستی ، در حال تکوین است .

اعلامیه در خطاب به خلق میگوید : " بمناسبت یاد کردن هشت سالگی انقلاب تا کید میگویم که چند ان در راه مبارزه مسلح یا فشاری خواهیم کرد که اراده خلق ما در تیل به آزادی و ترقی بیشتر تحقق بییوند ... ما تا کید میگویم که خلق ما از ۹ ژوئن ۱۹۶۵ راهی برای خود ترسیم کرده است که بایش آید هیچ گونه دشواری تا نایل به پیروزی از آن باز نخواهد گشت ... نبردی که درها میگذرد از نبرد در شبه جزیره سینا و بخش غربی جدانیت ، در آنجا اسرائیل دست نشاندگانش در برابر نیروهای رهائی طلب عربی قرار دارند و در اینجا انگلستان دست نشاندگان قاپوس در برابر انقلاب مسلح ، و ما بر آنیم که مهمترین وظیفه ما در قبال خلق فلسطینی خویش و در قبال نتایج شکست زوژن عمارت است از تشنه بد مبارزه با خاطر رهائی سرزمین عربی و با خاطر گرام برداری در جهت شکست دادن آنهاست که در پشت سر اسرائیل ایستاده اند و از وی حمایت میکنند ...

زنده باد انقلاب پیروز و روشن !  
زنده باد جبهه رهائی بخش عمان و خلیج عربی !

## دست جلاد از جان میهن پرستان کوتاه!



پیمان جدید ... بقیه از صفحه ۶ آمده است به ورود اتحاد شوروی به میدان مبارزات جهانی برسزفت خاورمیانه. همه میدانند که نیازمندی اتحاد شوروی به نفت پیش از آنکه از افزایش تولید اوست و از طرف دیگر بازارهای نفت فروش شوروی در اروپا توسعه یافته است. و باز از طرف دیگر تسلط بر منابع سرشار نفت بمثابة ماده استراتژیک در مبارزات عمومی امپریالیستی جهانی دارای اهمیت بسیار است. همه اینها نشان میدهد که نقشه راهیله چه مزایای فراوانی برای اتحاد شوروی در بردارد.

باید بخاطر آنست که پشتیبانی کاسکین در اعلامیه مشترک از حکومت فاشیستی عراق بمنظور خروج حکومت مذکور از انفراد در جهان عرب و یاری وی در عاوی مربوط به "وحشت" خلق عراق و هنگامی صورت میگردد که موقعیت اتحاد شوروی در مصر متزلزل گشته و سیاست او در برخی از دولت های عربی شکست خورده و رسوائی او در برابر انقلاب فلسطین و نهضت رهائی بخش عرب باوج رسیده است. در چنین اوضاع احوالی اتحاد شوروی همان نقشی را بازی میکند که استعمار فیس در طول سال های مذمه بازی کرده است یعنی بهره برداری از تضاد هائی که بین رژیم های مختلف عربی و بهره بین بغداد و قاهره وجود دارند. همچنین هدف اتحاد شوروی آنست که از عراق بهره جلب نهضت انقلابی خلق عربی و تر مرکز آن استفاده کند. بطور کلی اتحاد شوروی میخواهد حکومت عراق را بمنزله "افزای جبهت پیش برد افراطی امپریالیستی و ریزینویست های شوروی در خلیج عربی و شرقی عربی بکار برد.

اما از لحاظ بین المللی و پیمان سکر - بغداد امر بخشی از مبارزه شدیدی است که بین دو ابرقدرت امریکا و اتحاد شوروی بر سر تقسیم جهان جریان دارد. مبارزه ای که از یک سوشال منازعه است و از سوی دیگر شامل معاطله.

حکومت عراق کسوقعتش از طرف توده های خلق تهدید می نمود خواست خود را در ماده ۵ پیمان بدست آورد و مستحکم کند: "هرگاه حالتی پیش آید که امنیت یکی از طرفین را تهدید کند و یا تهدید می برای صلح باشد و یا صلح را بهم بزند طرفین منظمین متعاقباً این فوراً باید یکدیگر تماس خواهند گرفت تا مواضع خویش را بمنظور حفظ ریزینویست و امنیت صلح معین کنند." ماده ۵ مذکور صحابه در جانب خطر اشاره میکند: از داخل و از خارج و با اتحاد شوروی امکان میدهد که هرگاه شورش های توده های در عراق روی دهد و یا مبارزه مسلحانه شروع یابد و بویژه بمنظور سرکوب نهضت رهائی بخش در کردستان و بیاری حکومت عراق بشتابد ...

خلق ما اتحاد شوروی را بمنزله "کشور نخستین انقلاب ظفر مند سوسیالیستی" شناخت ... اما حکومت رسیدن روزیو نیم در اتحاد شوروی و خیانت و اضمحلال خلق ها و هر چند که خیانت و طمع ورزی وی در ریزینویستی از شمارهای سوسیالیستی و مارکسیستی انجام میگردد و او را از خلق مارکسوا ساخت.

شاید تاریخ با اضا این پیمان استعماری در عراق تکرار شود ولی امروز جهان ماجباتی نیست که دولت های استعمار بتوانند بدون مانع و بر حسب میل خویش در آن جولان بدهند و بمقصد برسند. امروز گرایش عمده در جهان ماجنشی انقلابی توده ها بر علیه امپریالیسم است و مبارزه خلق ما در عراق و تجارب انقلابی وی بیهود نخواهد ماند و این پیمان و کلیه توفان امپریالیسم را بگور خواهد سپرد و همچنانکه پیمان بغداد را بگور سپرد ...

نگهای چند ... بقیه از صفحه ۶ این تصویر چین هنوز حزب طبقه کارگر در عرصه ایسوران احیا نشده است این یان سازمان توده های میتواند جانفشن آن کرد و تصویری است که از عدم وقوف به ماهیت و وظائف حزب سازمان توده های سرچشمه میگردد. کسانی که لزوم حزب طبقه کارگر را صمیمانه درک میکنند بجای اینکه در حد جانفشنی برای آن باشند باید باتمام قوا را احیا آن بکشند و به سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان که عمده مسایش مصروف این امر خطیر است بپیوندند. هیچ راه دیگری جز این راه نیست و وجود ندارد.

انقلابیون صادق باید فعالیت در سازمان توده های و کرد شش در راه تقویت و گسترش آن را وظیفه خود بشمارند و باید از طریق بحث و هیورانه و افتاع با استقرار شعارها و شیوه های درست در تشکیلات و در عمل روزانه و در مطبوعات بویاری برسازند.

در برپارمین ... بقیه از صفحه ۶ بدو تمام سوار و خشونت، تخطی و اصال قهر رتجایی رژیم، رشد حرکت انقلابی این طبقات ... رشد مبارزات دهقانان در تمامی زمینها و تانایی رهبری کونیستی این مبارزات ...

مبارزه ای میکنند که: انجام موفقیت آمیز این وظائف برعهده هسته های کونیستی است. اینست خلاصه طرح "جدیدی" که بموجب آن باید هسته های کونیستی بوسیله کونیست ها - که معلوم نیست کی و در کجا هستند - تشکیل شود و به شرکت در انواع مبارزات خاصه مبارزات سیاسی کارگران و دهقانان دست بزنند و رهبری آنها نائل آید. مبارزات مسلحانه را تدارک ببیند رهبری کونیستی را در تمامی زمینه های مبارزات دهقانی تأمین کند و تا آنکامیاید های عملی وحدت بین کونیست ها گذاشته شود و هنگام احیای - و باصلاح تویسندگان جزوه: "ایجاد" - حزب طبقه کارگر فرارند. به عقیده نویسندگان جزوه هیچ سازمانی مانسند سازمان توفان حق ندارد کار احیا حزب طبقه کارگر در عرصه ایران بدست خود گیرد بلکه باید این کار به جریان خود بخود به فعالیت برانگیزد و ریزینویست ها را در کرد.

این طرح "جدید" نیز احیا حزب طبقه کارگر ایران را به شرایطی حواله میدهد که هرگز فراهم نخواهد آمد. زیرا که پیش از آنکه طبقه کارگر هرگز نمیتواند بدون داشتن حزب طبقه کارگر در انواع مبارزات کارگران و دهقانان و سازماندهی زحمتکشان بطور مؤثر پیگیر شرکت جویند و رهبری را در دست گیرند. زیرا که مبارزه مسلحانه اگر بمعنای جنگ توده ای در راه ایجاد حکومت دموکراسی نین است جز بوسیله رهبری متمرکز حزب طبقه کارگر که برنامه و استراتژی و تاکتیک صحیح برای سراسر ایران داشته باشد و بصورت قلب جانده به بهترین نیروهای خلق آید. تدارک شدنی نیست.

اعتقاد باینکه این وظائف خطیر را بدون وجود حزب طبقه کارگر میتوان انجام رسانید از بی اعتقادی به لزوم حزب طبقه کارگر سرچشمه میگردد. حاله احیا حزب طبقه کارگر بویژه کارگر کاین وظائف خطیر را انجام میدهد بمعنای نفی احیا است. البته سازمان توفان هیچگاه امر احیا حزب طبقه کارگر را در عرصه ایران از مبارزات طبقاتی و ملی جدا نمیکند. سازمان توفان از نخستین روز تاسیس خود بر اساس سند "وظائف مبرم مارکسیست ها - لنینیست های ایران" نه از یک کار بر علیه امپریالیسم و ریزینویسم و ارتجاع با زبایستاد و نه از مبارزه در راه احیا حزب طبقه کارگر در عرصه ایران. سازمان ما پوسته برای پیوند با توده ها در تلاش بوده و هست. ولی سازمان ما هیچگاه احیا حزب طبقه کارگر را به نقطه اوج مبارزه تحت رهبری کونیست ها بر علیه امپریالیسم و ریزینویسم و ارتجاع و به نقطه اوج پیوند کونیست ها با توده ها ماکول نمیکند بلکه نبل باقی ماند مرحله را بشرط باحیا حزب طبقه کارگر در عرصه ایران میدانیم. ما عقیده نداریم که هیچگاه میتوان حزب طبقه کارگر را بشما به موجودی کامل و در بحبوحه نیرومندی و عاری از کمبودها و آراسته بنگی، خصوصیات حزب طراز نوبن طبقه کارگر بوجود آورد. چنین تصویری از واقع بینی مارکسیستی سرچشمه نمی - کیرد. حزب طبقه کارگر هم بناچار باید دوران کودکی و جوانی و پختگی را بپیماید. پختگی او نیز نسبی است. حزب طبقه کارگر تا وقتی که ضرورت تاریخی دارد آنی از تکامل باز نخواهد ایستاد و هر روز نسبت بروز پیشین آگاه تره آژوده تر و در سطح عالی تری از تشکیک و فعالیت انقلابی قرار خواهد داشت. باید توجه کرد که احیا حزب طبقه کارگر یک امر است و ساختمان تکامل بخشیدن آن امر دیگر. و بدیهی است که تا حزب طبقه کارگر بوجود نیاید ساختمان و تکامل آن صورت پذیر نخواهد بود.

شش سال فعالیت سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان گواهی میدهد که سازمان ما احیا حزب طبقه کارگر در عرصه ایران را سرسری نگرفته است. سازمان ما این وظیفه را وظیفه عمده خویش دانسته و در راه ایفا آن موفقیت های داشته و ضرباتی تحمل کرده است. اگر سازمان توفان امر احیای حزب طبقه کارگر در عرصه ایران را به جریان خود رووانگشته و آن را بدست خویش گرفته است مرکز آن معنی نیست که خود را از سایر مارکسیست ها لنینیست های نیاز میمارد. برعکس، سازمان ما یقین دارد که در بازود خواهد توانست کلیسه

شش سال فعالیت سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان گواهی میدهد که سازمان ما احیا حزب طبقه کارگر در عرصه ایران را سرسری نگرفته است. سازمان ما این وظیفه را وظیفه عمده خویش دانسته و در راه ایفا آن موفقیت های داشته و ضرباتی تحمل کرده است. اگر سازمان توفان امر احیای حزب طبقه کارگر در عرصه ایران را به جریان خود رووانگشته و آن را بدست خویش گرفته است مرکز آن معنی نیست که خود را از سایر مارکسیست ها لنینیست های نیاز میمارد. برعکس، سازمان ما یقین دارد که در بازود خواهد توانست کلیسه

**یک سال جهنگ پارتیزانی در یوزیل**

در شماره ۶۸ توفان نوشیم که چگونه در دنیالسنه تظاهرات کارگران و دهقانان و دانشجویان از یک سال پیش نبرد مسلحانه خلق در منطقه آراکایا ( شمال یوزیل ) شعله ور کرده و از پشتیبانی عموم خلق برخوردار است. نیروهای پارتیزانی در سیمابور آگ شده بانگیه بر توده های خلق توانستند حملات ده ها هزار سرباز یوزیلی را که با وسائل مختلف جنگ تحت نظارت " رابیزان " امریکائی و یفرمانده های فرمانده کل قوای یوزیل به مواضع آنان حلقه بند بودند در دم شکستند اینک بخشی از بیامی را که کمیته مرکزی حزب کونیستی یوزیل به ناسایت یک سالگی آغاز مبارزه مسلحانه در آراکایا به پارتیزانها فرستاده است از نظر خواننده گان گرامی میگردانیم: "شما از حلقه دشمن مست نشدید. به جنگ زدند و بی جنگ پارتیزانی را که اینک دوازده ماه از راه آن میگذرد آغاز کردید. شمار برابر دشواریهای زندگی سخت پارتیزانی دلیرانه ایستاد. دید و نشان دادید که میتوان کامیابانه در مقابل سنگسار مقاومت کرد. شما با عمل خود باعث میشوید که میلیون ها تن از دهقانان و سربازان ما که در قرقرو صحرایست بسر میبرند - بخسود اطمینان پیدا کنند. شما با عمل خود که برای مقابله با قیصر ارتجایی اسلحه برگزیدید راه درست رهائی یوزیل را از استبداد و عقب ماندگی و سلطه بیگانه نشان دادید. مقاومت مسلحانه آراکایا بحلقه تازه ای بر روی جنبش دموکراتیک و بیپن پرستانه گشوده است ...

ما ایمان داشتیم که نبرد مسلحانه در مناطق داخلی و امری اجتناب ناپذیر است. ما میدانیم که جنگ سخت و طولانی خواهد بود. خلق باید برای پیروز شدن آماده فعالیت عظیم باشد که مهمترین وحدت بخشیدن بصورت خویش است. وحدت کفیه پیروزی است. اینک نمونه و سرمشق آراکایا در همه جا گسترش مییابد. روزی فرا خواهد رسید که در سراسر یوزیل و مراکز تازه پارتیزانی بوجود آید. برای تحقق آمل خلق هیچ راه دیگری در پیش نیست.

کونیست ها که در راه وحدت و یمن پرستان بخاطر رهائی یوزیل از یکتاوری و اضمحلال رژیم نظامی که تاکنون کشور ما بخود دیده است در پی کارند تجدید عهد میکنند که با کلیسه مسائل به جنگجویان جنوب ایالت پارا یاری برسانند. کونیست ها این وظیفه انقلابی را بدو نورا خواهند داد و حمله فاشیستی رژیم انجام خواهند داد.

انحطاط در ... بقیه از صفحه ۲ دارد. اینک ستر سردرشتگرده های مذکور عنوان "دلیق" چشم میخورد مایه تعجب نیست زیرا که خود دولت های ریزینویستی مروج این اماکن فسادند.

اینک دشمنان و امرای مفاصلی در کشورهای ریزینویستی شیوع دارد ... انحطاط اخلاقی موجب افزایش بزه کاری گردیده است. در چکسلواکی که در ۶۵ سال پیش ۴۰ درصد جنابا بوسیله جوانان ارتکاب مییافت اکنون بیش از ۵۰ درصد بوسیله آنها صورت میگردد. در لهستان طبق آمار ریزینویستی ها فقط در سجن سال ۱۹۶۱ قریب ۳۰۰ جنایت در روزی در راه است. در ورشو در طی یک سال ۳۰۰۰ جنایت و ۱۷۰۰۰ حمله راهزنانه اتفاق افتاده است. انحطاط اخلاقی، اوپاشی و بزه کاری، شره، شنی خیانت بار ریزینویستی و احیا سرمایه داری است ...

تلخیص از روزنامه زرقی ای پوپولیت ارکان حزب کارآلمانی مورخ ۲۶ ژوئن مارکسیست لنینیست های صدیق را در زیر پرچم واحد حزب طبقه کارگر در عرصه ایران گرد آورد.

عنوان مکاتبات  
X GIOVANNA GRONDA  
24030 VILLA D' ADDA / ITALY

حساب بانکی  
X GIOVANNA GRONDA  
CÓNTO 17549 / 11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO / ITALY

**گامیاب باد مبارزات خلق در ترکیه**

پیمان جدید بغداد

این عنوانی است که مجله "النصر" در ۱۹۷۲ از انتشارات جمعیت انقلابی عراقیان مقيم اروميا به پيماني داده است که در ۹ آوريل در بغداد بوسيله کاميکين نخست وزير شوروي والبرگر رئيس جمهور عراق باضا رشيد وشييه قراردادى است که اتحاد شوروي چندی پيش از آن با هفتاد شصت ساخته بود. اينک خوانندگان گرامي و اباغاليه النصر! آشنائيمکيم:

"النا" پيمان بغداد را يکي از کاميابهائى بزرگ خلق ما بعد از انقلاب ۱۹۵۸ بزرگيه ۱۹۵۸ بود و به حضور مستقيم استعمار در ميهن ما خانه داده است. اينک بعد از ۱۴ سال که از آن انقلاب ملي پرافتخار ميگردد حکومت خائن فاشيستي عراق پيمان جديدى اضافه کرده است که هدفش تيد تيل تدريجي کشور ما به مستعمره نوين امپرياليسم توطيهي است.

روز ۹ آوريل نقطه تحول تازهي در تاريخ حزب بعثت ما در مبارزات داخلي پشمار شوروي و نيز نشانه آن است که مبارزه نبروهي بيگانه با يکديگر بر سر استيلا بر مواضع سياسي واقمادى و نظامي در عراق و منطقه عربي باوج خود رسیده است.

بايد دانست که نفوذ روز افزون شوروي در عراق به وسيله پيران سال ۱۹۶۸، با مخالفت جدى انگلستان و امريکا (بخشک انگلستان کس در شرکت هاي نفتي و در شبکه هاي جاسوسي

سهم بزرگي دارد) روبروشند زيرا که اتحاد شوروي در نرسه زدن به انقلاب اوچکي عراق مورد استفاده قرار گرفت و رويز نيسم جبهاني و دناله آن در عراق با انعقاد قرارداد ۱۱ به بونطوسه

غرابکارانه بر طيله انقلاب کردستان دست زدند. از آن زمان اتحاد شوروي با نفوذ غرب در عراق همدستان شد. ولي طبيعي

است که در برابر بحرفان بزرگ خود از خود و مورد توافقي تجاوزه کرد، بويژه که اکنون تخييرات مهمي در توان توابعه جبهه روي داده است. مهمترين جنبه اين تجاوزه بايد در صقله

نفت که اساس اقتصادي نفوذ استعمار در عراق است جستجو کرد. يکي از مهمترين دلائل اينکه حکومت عراق در هاهي خود را

چهار طاق برروي طبع روزي هاي اتحاد شوروي کشور پيا نشايرو نمادي بود که شرکت هاي نفتي در ده اکرآت زانويه - فوريه ۱۹۷۲

نشان دادند و تا نون سال ۱۹۶۱ (که قانوني ملي و بهي پسر کوتاه کردن دست شرکت هاي نفتي بود) و کليه مسائل ناشي از آن را زير پايگه اشندند. حکومت عراق موافقت کرد که اين قانون را

در ازا در يافت عوانت مالي کلان از محتوای خود تهی سازد ولي خواست پوششي بر اين کار نهد و چنان جلوه دهد که "پروزي ملي" بدست آورد است...

دليل ديگران بود که دولت انگلستان در خليج عربي با ايران و امريکا و فلسطين سعودي کنار آمده و دولت بوسيده عراق را بي پناه و بدست خالي گذاشته بود.

دليل مهم ديگر در گرايش دولت عراق بسوي اتحاد شوروي آن بود که دولت عراق ميخواست خود را از انفراد چه در داخل و چه در خارج و بيرون آورد و توجه نيروه ملي را بخود جلب کند.

همچنين دولت عراق احتياج مبرم به پشتيباني نظامي اتحاد شوروي داشت تا بر يک راي و چکي خلق ضربه بزند و نهضت خلق کرد را با آهن و آتش فرو نشاند...

ماده ۷ پيمان ميگويد: دولتين معظمتين بنا بر صالح امنيت و دكشور همكاري خود را بمنتظر برود قدرت و فاني طرفين افزايش خواهند داد...

وقتي که ناوگان اتحاد شوروي به بندر "مصر" وارد شدند و کاميکين و رهبران دريانوردي شوروي جمعيت امپرياليزم دن ناوگان مذکور رفتند و آنگاه معلوم شد که دولت "معظم" عراق چگونه ميخواهد قدرت و فاني اتحاد شوروي را با لا ببرد...

عبارت ديگره تعريف نفوذ رويز نيسم جبهاني و طبع روزي هساي امپرياليستي او در خليج عربي و اقيانوس هند ببرد از م سرزمين عراق از جهات ديگر نيز ميتواند مورد استفاده قرار گيرد که از آن جيلناست اعطا پايگاههاي هوايي نظامي بمبروهائي هوايي شوروي اما نوسعه همكاري... در بهره برداري از نفت و ساير منابع طبيعي که در داده موافقت نامه بقيد رصغه

در پيرامون

احياء حزب طبقه کارگر در عرصه ايران

پيشدر اين امر است که نيرههاي مارکسيستي - لنينيستي ميتوانند و بايد با هم متحد شوند و حزب کونيست ايران را بوجود آورند.

در جزوه هاي در ميهن همان حال از منيع ديگر انتشار ر یافته طرح مذکور چنين تنظيم شده است:

"حزب طراز نونين طبقه کارگر تنهاد رطبن اين بيوند پيا - يعني "بيوند پياي مارکسيسم - لنينيسم و انديشه ماوتسند و

با مبارزات کارگران و دهقانان ايران" - در ميسر تکامل آن سازما خواهد يافت.

اما اين بيوند چگونه بدست مي آيد؟ - نوسندگان جزوه پاسخ ميدهند:

"از طريق کار سياسي و سازماندهي در ميهن کار گستران و دهقانان ايران، ايجاد هسته هاي کونيستي در ميهن آنان،

و شرکت ورهيري انواع مبارزات، خاصه مبارزات سياسي اين طبقه و اضافه مي کنند که:

"پايه هاي عملي وحدت بين کونيست ها عبارتند از: "کار سياسي و سازماندهي در ميهن زحمتگان، دامن زدن،

شرکت ورهيري انواع مبارزات، خاصه مبارزات سياسي آنان، و تدارک مبارزات مسلحانه".

اما تدارک مبارزات مسلحانه بود فاي؟ از چه طريق پيسر ميشود؟ - پاسخ نوسندگان جزوه چنين است:

"از طريق افشاگري همه جانبه رژيم سفاک پهلوي در تخليق و وسيع مبارزات مسلحانه و طواني، در محور سياسي انقلاب بارض

و ضد امپرياليسمي، در ميهن کارگران و دهقانان و ايجاد و رشد و تکامل حرکت سياسي اين طبقات، و ترويج ايدئولوژي و سياست

انقلابي، آگاه نمودن آنان از روابط بيان تمام طبقات و افشاگري همه جانبه حکوميت، آئيناس ميهن سياسي بقيد رصغه"

اينک قريب شش سال از آغاز بحث درباره چگونگي احياء حزب طبقه کارگر در عرصه ايران ميگذرد. در آن موقع سازمان ما

بمخالفت و مبارزه با طرحي پوز اخت که عملا ناني حزب طبقه کارگر بود. طبق طرح مذکور ميبايست: نخست گروههاي مسلح

- صرف نظر از هويت اجتماعي و برنامه سياسي - به کوه بروند و عمليات پارتيزاني دست بزنند، در چند ميهن جا مناطق آزاد

شده بوجود آيد، آنگاه نمايندگان گروههاي مختلف دريکي از اين مناطق گرد آمده به تشکيل کنگره و - با صلاح آنها - ايجاد حزب ببرد ازند.

باين طريق لزوم حزب طبقه کارگر تا مرحله پيدايش مناطق آزاد شده صيحاً نفي ميشد و از آن پس نيز بر عهده گروههاي

واگد او ميگرديد که هويت اجتماعي و برنامه سياسي معين و واحدی نداشتند و يگانه وجه مشترکشان تفنگ اري بود. بديهي است که

اين مرحله نيز چ به نفي حزب طبقه کارگر نيز ميتوانست پيچامد. در اثر مبارزه پيکير سازمان ما اين طرح با شکست روبرو

شد و حتي برخي از هواداران با انتقاد از خود دست زدند. اما حوادث نشان ميدهد که کساني هنوز مضمون اهلي آن را از دست

ننهاد مانده و گهگاه با اصلاحاتي غري و پوشي جديد بر عهده ارنده همان ها که از خود باين مناسبت انتقاد کرده بودند باز در

اسفند ۱۳۵۱ نوشتند: "در راه بسر انجام رساندن اين وظيفه (يعني ايجاد حزب کونيست) تشکيل هاي مارکسيستي لنينيستي

بايد مارکسيسم لنينيسم و انديشه ماوتسند در ميهن کارگران و دهقانان برند، با آنها بيوند کنند، سطح جنبش توهاي را

بطور مشخص بشناسند و بر اساس خواست هاي مشخص توده ها شعارهاي مبارزاتي راستيني را براي گسترش جنبش پيش نهاد و

اين جنبش ها را از نظر سياسي و تشکيلاتي تکامل بخشند. در جريان

نکته اي چند در باره سازمان توده اي

هرگاه سازمان زنان در راه احراز دموکراسي و تحصيل آزادي اجتماعات و مطبوعات مبارزه نکند چه وسيله خواهد توانست توده زنان را برانگيزد و حقوق آنان را بسازد.

واما اگر سازمان توده اي فقط به شعارهاي عام تکیه کند و از شعارهاي اختصاصي خود غافل بماند به جلب توده هاي هفتاد و يارد ميدان نيست ناظر نخواهد شد و بصورت سازماني پرگرو لا

زن ولي کار کم اثر خواهد آمد و به سبب توده در راه اجرائي شعارهاي عام نيز توفيق نخواهد يافت. مثلا هرگاه اتحاديه

کارگري در راه حقوق کارگران و بالا بردن دستمزدها و رفع بيکاري استقرار حقوق بيمه و غيره مبارزه نکند چگونه خواهد توانست توده کارگران را که مسلما از لحاظ آگاهي بهاي پيش آهنگ خود نرسیده اند گرد آورد و از مطالبات اقتصادي به مبارزات سياسي بکشد.

البته تقاسم اهميت شعارهاي اختصاصي و شعارهاي عام براي هر سازمان توده اي، بر حسب سطح آگاهي کسود و اوضاع عمومي کشور و لحظات مختلف سياسي تفاوت ميگند. ولي هيچ سازمان توده اي هيچگاه از تخليق اين در نوس شعارين نياز نيست و در غير اين صورت از اين سو يا از سوي ديگر در پيراهنه خواهد افتاد.

ممكن است امروز سازمان توده اي فراگيرند و تمام وسا اکثريت توده نباشد زيرا که اين امر فقط در طي مبارزه و بتدریج حاصل خواهد شد. اما هرگاه شعارهاي سازمان مذکور چنان شعارهائي است که در مرحله معين باخواست هاي توده آن سازمان مطابقت دارد و ميتواند براي توده قابل درک و پذيرش باشد و توده را به مبارزه برانگيزد در آن صورت سازمان مذکور ماهيتا سازمان توده اي است و اگرچه هنوز جمع همه يا اکثريت توده نباشد.

هر سازمان توده اي با ساير سازمان هاي هموع خوش و باکيه احزاب و جمعيت هاي انقلابي و دموکراتيک در ارتباط و در جستجو وحدت عمل است. ولي تطبيق فعاليت هساي سازمان هاي توده اي گوناگين و کلک آنها در بافتن شعارها و شيوه هاي صحيح فقط با حزب رهبر است و نه با اين يا آن سازما تون فاي.

هر سازمان توده اي، هر قدر مقبول و پذيرفته باشد، هرگاه درصد ايفا نقش حزب برآيد نه فقط در اين کار موفق نخواهد شد بلکه نقش خوش را نيز از دست خواهد داد و ان بقيد رصغه

سازمان توده اي - چنانکه از امس بر مي آيد - در سر - گيرند و توده هاست (مثلا سازمان زنان در بر گيرند و توده زنان، اتحاديه کارگران در بر گيرند و توده کارگران و سازمان جوانان در بر گيرند و توده جوانان و سازمان دانشجويان در بر گيرند و توده دانشجويان است) و يحال آنکه حزب فقط حاوي بخش

از طبقه معين است و حزب طبقه کارگر حاوي پيش آهنگان طبقه کارگراست که - در دوران حکوميت غير رولتاريائي - اقليتي از طبقه کارگر را تشکيل ميدهند.

حزب طبقه کارگر - که ستاد طبقه کارگر و رهبر عموم خلق است - هرگاه در هاهي خود را يکي با ينگد ارد و هر کارگري را به دون توجه به شرايط لازم ناشي از برنامه و اساسنامه خویش به پذيرد نشانه آنست که از صورت جمع پيش آهنگان طبقه کارگر

وستاد رهبري تنزل کرده است. اما سازمان توده اي و برعکس هرگاه در اثر اعلام شعارها و اتخاذ رويش هائي که در مرحله معين

براي توده قابل درک و پذيرش نيست در هاهي خود را برروي توده با ينگد ارد و توده بر ايد رين نکشاند نقش خود را از دست داد هاست و بصورت گروهی منفرد در خواهد آمد.

هر سازمان توده اي در اري و نوس شعار است: يکسي شعارهاي اختصاصي آن سازمان و ديگر شعارهاي عام. مثلا سازمان زنان شعارهائي دارد از قبيل برقراري حق طلاق براي

زن و برافتادن مهر و تساوي زن و شوهر و در انتخاب مسکن، حق زن در انتخاب شغل و غيره وغيره. اتحاديه کارگران نيز شعارهائي دارد از قبيل محدود ساختن روزگار، تعيين حق اقل - دستمزدها و برقراري قراردادهاي جمعي بين کارگر و کارفرما،

حقوق بيمه و غيره وغيره. اما شعارهائي مانند آزادي اجتماعات و احزاب، آزادي مطبوعات و مبارزه بر عليه عقب ماندگي و ارتجاع و استبداد و امپرياليسم و استعمار و غيره و غيره شعارهاي عامي است که همه سازمان هاي توده اي در آن شريک اند.

پيشرفت و پروزي هر سازمان توده اي وابسته به تلفيق صحيح اين نوس شعار و مبارزه آگاهانه و پيکير در راه عملي ساختن آنها است. اگر سازمان توده اي فقط به شعارهاي اختصاصي خود تکیه

کند و از شعارهاي عام خلق ايران غافل بماند جهت حرکت را کم خواهد کرد و دچار پروتوسم و سازشکاري خواهد شد و بصورت افزاري در دست ريز چاکم در خواهد آمد و بالا به موفقيت چند

در اجرائي همان شعارهاي اختصاصي نيز نائل نخواهد گشت. مثلا

پيروزي باد جنگ توده اي خلق فلسطين و ظفار